

« عوامل و آثار ناامیدی از رحمت خدا »

حسین کلانتر؛ شرکت ملی نفت ایران

یأس از رحمت خدا و بخشایش او، نقطه مقابل رجاء و امیدواری به پروردگار و منشأ آن در باور نادرست است. اگر کسی عقیده اش نسبت به خداوند ناقص باشد و رحمت بی پایان و قدرت بی نهایت او را نشناسد ناامید می شود. چنین نقصی در خداواری، انسان را به کفر می کشاند و حتی می توان گفت یأس کامل فقط برای کافر قابل تصور است و هیچ مؤمنی دچار آن نمی شود.

چند عامل را می توان در پدید آمدن حالت یأس موثر دانست:

الف: *گناه و اصرار بر آن*: کسی که زیاد گناه می کند و یا زیاد توبه می شکند در صورتی که ایمانی راسخ به رحمت و لطف پروردگار نداشته باشد در معرض یأس از رحمت خدا قرار می گیرد.

ب: *استعجال*: کسی که دعا می کند و از درگاه خداوند درخواستی دارد چون خواسته اش برآورده نمی شود و دعایش مستجاب نمی گردد، ممکن است گمان کند که نظر رحمت خداوند از او برگشته است و ناامید گردد. امام صادق(علیه السلام) می فرمایند:

لا يزال المؤمن بخير و رضاء و رحمه من الله، ما لم يستعجل فيقنط، فيترك الدعاء قلا له: كيف يستعجل؟ قال: يقول: قد دعوت منذ كذا وكذا ولا اري الاجابه؛

مومن پیوسته در نیکی و راحتی و مهربانی خداست تا زمانی که استعجال نکند پس چون استعجال کند نومید می شود و دعا را ترک می کند. راوی می گوید: از ایشان پرسیدم: چگونه استعجال می کند؟ فرمودند: با خود می گوید مدتی طولانی دعا کردم و اجابت نشد.

آثار ناامیدی

۱ - ترک توبه و استغفار: کسی که از رستگاری ناامید است در فکر جبران گذشته بر نمی آید زیرا جبران آن را ناممکن می داند.

۲ - فرو رفتن در گناه: کسی که از رحمت خدا نومید باشد و امید رستگاری نداشته باشد با خود می گوید من که آخرت بدی دارم؛ پس لااقل نباید لذات دنیا را از خود دریغ کنم. با این اندیشه نادرست ارتکاب گناه برای او آسان می شود و در دریای عصیان غرق می گردد و از هیچ گناهی ابا ندارد، چون می گوید: آب از سر من گذشت چه یک قامت چه صد قامت.

۳ - کفر یا تباهی دنیا: کسی که به دلیل اطمینان از آخرت بد خود، به گناهان لذت آور روی می آورد بسا که از لذات دنیایی هم بهره ای نداشته باشد؛ زیرا اگر همچنان به قیامت و محاسبه آخرت معتقد باشد تصور آخرت دهشتناکش شیرینی هر لذتی را بر او تلخ می کند و یا در اثر زشت کاری به کفر و انکار خدا و قیامت مبتلا می شود.

انسانی که در رسیدن به اهداف دنیوی مایوس است از کار و تلاش باز می ماند و زندگی او دچار رکود و افسردگی می شود. نتیجه این رکود و افسردگی، رنج هایی است که خود فرد مایوس تحمل می کند و سختی هایی که به دیگران تحمیل می نماید. درمان این درد، گاه از طریق اصلاح نگرش فرد به زندگی صورت می گیرد و گاه به وسیله دارو انجام می پذیرد.

۴ - تباهی آخرت: طبیعی است که آثار سه گانه گذشته به آخرتی پر از عذاب و رنج منتهی می شود. انسان مایوس از رحمت خدا، افزون بر کيفری که برای گناهانش می کشد، کيفری هم برای یأس خود تحمل خواهد کرد؛ زیرا یأس و قنوط از رحمت خدا گناهی کبیره محسوب می شود.

درمان ناامیدی

انسانی که در رسیدن به اهداف دنیوی مایوس است از کار و تلاش باز می ماند و زندگی او دچار رکود و افسردگی می شود. نتیجه این رکود و افسردگی، رنج هایی است که خود فرد مایوس تحمل می کند و سختی هایی که به دیگران تحمیل می نماید. درمان این درد، گاه از طریق اصلاح نگرش فرد به زندگی صورت می گیرد و گاه به وسیله دارو انجام می پذیرد. بدون شک اعتقاد فرد به خداوند از بروز یأس در امور دنیوی پیش گیری می کند. ولی آن چه بسیار مهم است یأس فرد در پی گیری اهداف اخروی و اصلاح رابطه خود و خداست. چنین یأسی از یک سو بالاترین ضرر را که هلاکت اخروی است در پی دارد و از سوی دیگر نشانه های آن به زودی آشکار نمی شود. در نتیجه ممکن است فرد بسیار دیر به فکر درمان آن بیفتد. بنابراین اندیشیدن به رحمت و مغفرت خداوند و نقص و ضعف عمل همه آدمیان در پیشگیری و درمان این بیماری بسیار موثر است.

دیگر روش درمان که در همان روش نخست ریشه دارد، یادآوری سخنانی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت وارد شده است و از یأس و نومیدی نهی نموده است. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

قل يعبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله ان الله يَغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور

الرحيم؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگری آمده است که نومیدی از رحمت خداوند ویژه گمراهان است. **وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ** چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش نومید می شود؟!

نومیدی خطرناک ترین راه نفوذ شیطان در دل آدمی است لذا در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) لقمان به فرزندش چنین می گوید: **” حَفَّ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - خَيْفَهُ لَوْ جِئْتَهُ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ لَعَذَّبَكَ ”** و **أَرْجُ اللَّهُ رَجَاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ لَرَحِمَكَ**. از خداوند آنگونه بترس که اگر تمام عبادات نیک جن و انس را انجام داده باشی امکان دارد به سبب لغزشی تو را مجازات کند و آنقدر به رحمت خدا امیدوار باش که اگر تمام گناه جن و انس را انجام داده باشی امکان دارد تو را رحمت کند. در روایتی از امام علی نقل شده است که ایشان خطاب به کسی که به سبب زیادی گناهان نومید شده بود فرمود: یا هذا! یاأسک من رحمة الله اعظم من ذنوبک؛ بدان که نومیدی تو از رحمت خداوند بزرگ تر از گناهان توست.

کسی که از رحمت خدا نومید باشد و امید رستگاری نداشته باشد با خود می گوید من که آخرت بدی دارم؛ پس لااقل نباید لذات دنیا را از خود دریغ کنم. با این اندیشه نادرست ارتکاب گناه برای او آسان می شود و در دریای عصیان غرق می گردد. و از هیچ گناهی ابا ندارد، چون می گوید: آب از سر من گذشت چه یک قامت چه صد قامت

علل و ریشه های ناامیدی

ناامیدی احساسی ناخوشایند و در مقابل رجا و امید و نوعی نگاه به آینده است. ناامیدی محصول عملکرد خود ما و برخاسته از انتظارات ماست و وقتی کارها طبق انتظارات ما پیش نمی رود، یعنی تعریف ما از واقعیت یا از حقیقت اشتباه است و واقعیت را آن گونه که باید نمی شناسیم و انتظارات ما غیرواقعی هستند.

برخی از اهداف انسان ها سطحی و دنیایی و برخی متعالی و بلند و دارای ارزش های ماندگارند. به تبع آن، برخی از ناامیدی ها، ناامیدی از انسان ها، اشیاء و اهداف دنیایی و قول و قرارها و وعده های عمل نشده هستند و برخی ناامیدی از خدا و رحمت و مغفرت اوست. همه ناامیدی ها عللی دارند که شناخت آنها به پیشگیری و درمانشان کمک می کند. برخی از این علل عبارتند از:

۱- کفر

فردی که یا در قدرت خدا و یا در بیکران بودن رحمت او تردید دارد و می پندارد رحمت و قدرت او محدود است، گرفتار یأس و سپس کفر می شود.

قرآن می‌فرماید: «و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.»
«کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند و برای آنها عذاب دردناکی است.»

۲- گمراهی

در قرآن با ذکر جریان نزول فرشتگان بر حضرت ابراهیم(ع) که به او گفتند که ما تو را به حق بشارت دادیم؛ بشارتی که از ناحیه خدا و به فرمان او بود و به همین دلیل، حق است و مسلم و به دنبال آن برای تأکید به گمان اینکه مبادا یأس و ناامیدی بر ابراهیم غلبه کند. گفتند «اکنون که چنین است از مأیوسان مباش» (فلا تکن من القانطین)، ولی ابراهیم(ع) این فکر را از آنها دور کرد که حاشا که یأس و نومیدی از رحمت خدا بر او چیره شده باشد، بلکه تنها تعجبش از موازین طبیعی است، لذا فرمود: «قال و من یقنط من رحمه ربه الا الضالون» جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟» همان گمراهانی که خدا را به درستی نشناخته‌اند و پی به قدرت بی‌پایانش نبرده‌اند، خدایی که از ذره‌ای خاک، انسانی چنین شگرف می‌آفریند، درخت خشکیده خرما به فرمانش به بار می‌نشیند و آتش‌سوزان را به گلستان تبدیل می‌کند.

۳- سوءظن به خدا

سوءظن به خداوند و شمول رحمت و دریای مغفرت او موجب ناامیدی و قنوط نسبت به او می‌شود. در قرآن به دوری از ظن و گمان بد امر شده است، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است. گمان بد به خدا موجب ایجاد و رشد صفات رذیله‌ای مانند بخل و ترس و حرص می‌شود.

در آیات الهی نیز سوءظن به خدا نکوهش شده است: «و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بریکم اُرداکم فأصبحتم من الخاسرین؛ همین گمانی که به پروردگارتان داشتید، شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید.»

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی فرمودند: «أكبر الكبائر سوءالظن بالله؛ بزرگ‌ترین گناه کبیره، بدگمانی به خداست.»

۴- امور ناخوشایند

نقطه ضعف‌های انسان‌ها، کم‌ظرفیتی در برابر مشکلات و ناراحتی‌ها و در نتیجه قطع برکات الهی و علل یأس هستند. قرآن می‌فرماید: «و لئن أذقنا الإنسان منا رحمة ثم نزعناها منه انه ليوس كفور؛ و اگر از جانب خویش نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود.» و نیز می‌فرماید: هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می‌شوند و هر گاه رنج و مصیبتی به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آنان رسد، ناگهان مأیوس می‌شوند.» در حالی که مؤمنان راستین کسانی هستند که نه به هنگام نعمت گرفتار غرور و غفلت می‌شوند و نه به هنگام مصیبت، گرفتار یأس و نومیدی.

نعمت را از خدا می‌دانند و شکر به درگاه او می‌برند و مصیبت را آزمون و امتحان و یا نتیجه اعمال خویش محسوب و صبر می‌کنند و رو به درگاه او می‌آورند.

۵- عجله در کارها

در برخی از روایات تعجیل در کارها و تصمیم‌گیری عجولانه به عنوان عامل ایجاد یأس و ناامیدی یاد شده است. از پیامدهای شوم «عجله» آن است که هرگاه انسان به خاطر آن ناکام شود، نومید و چه بسا نسبت به همه چیز حتی تقدیر الهی بدبین شود.

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «عجله مکن در مورد میوه‌ای که نرسیده است. بدان آن کس که تدبیر حال تو را می‌کند، بهتر می‌داند چه وقت صلاح توست. به حسن انتخاب او اعتماد کن تا اوضاع خوب شود. نیازهای خود را پیش از موقع و با عجله مخواه که موجب تنگدلی و ناراحتی و ناامیدی تو می‌شود.»

۶- شکست و ناکامی

یکی از عوامل پیدایش یأس «ناکامی» است. انسان در زندگی نیازهای اساسی دارد و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کند و در صورت نرسیدن به هدف «ناکام» می‌شود. فرد ناکام واکنش‌هایی مانند یأس و ناامیدی، بی‌تفاوتی، اضطراب، پرخاشگری و سایر مکانیسم‌های دفاعی را از خود بروز می‌دهد. ناکامی و اضطراب هر دو عامل ایجاد یأس هستند.

برای ناکامی دو معنی گفته‌اند:

۱- سد شدن راه یک موجود زنده دارای انگیزه که می‌خواهد به هدف مثبتی برسد یا از هدف منفی اجتناب کند.

۲- احساسی که از بیدار شدن چنین مانعی به موجود زنده دست می‌دهد.

وقتی در ارضای نیازهای جسمی انسان تأخیر می‌افتد، مثلاً غذا دیر به او می‌رسد، دچار رنجش می‌شود، ولی بعد از مدت کمی، با آمدن غذا این تنش‌های هیجانی فرو می‌نشینند، ولی انگیزه‌های قوی وقتی با موانع غیرقابل عبور روبه‌رو می‌شوند، در بعضی از افراد ناکامی و فشار و تعارض ایجاد می‌شود. البته سازگاری افراد با مشکلات، متفاوت است. بعضی تسلیم می‌شوند، بعضی به کوشش خود ادامه می‌دهند و بعضی زیر فشار خرد می‌شوند. البته سازگاری افراد با مشکلات، متفاوت است. بعضی تسلیم می‌شوند، بعضی به کوشش خود ادامه می‌دهند و بعضی زیر فشار خرد می‌شوند. شکست‌ها و ناکامی‌های پی‌درپی گاهی فرد را برای مدت مدیدی از میدان رقابت و مبارزه کنار می‌زند و چون فرد قادر به تحلیل دقیقی از علت ناکامی خود نیست، ناگزیر به این نتیجه می‌رسد که دنیا جای ناامن و خطرناک است و مصلحت او در فاصله گرفتن از دنیا به عنوان کانون ضربه است.

ناکامی در فرهنگ معارف اسلامی با لفظ «خیب» آمده است. در لغت گفته‌اند: الخيبة: الحرمان و الخسران؛ ناکامی: «محرومیت و زیان». «فلاح» را «رسیدن» به آرزوها و دستیابی به مطلوب معنی کرده‌اند و «مفلحون» به کسانی می‌گویند که «به خواسته‌های خود رسیده‌اند». انسان در خلقت و زندگی هدف و غایتی دارد که باید برای رسیدن به آن تلاش کند که اگر به آن نرسد او را «خائب» و «ناکام» می‌گویند.

نوع هدف و بینش و طرز تفکر و ارزش‌های فرد، تعیین کننده نوع ناکامی اوست. کسی که هدفش وصول به قرب الهی است، نرسیدن به مطلوب برای او ناکامی محسوب می‌شود و کسی که هدفش ازدواج است، نرسیدن به آن را «ناکامی» می‌داند. از آنجا که اهداف به اصلی و فرعی، نهایی و متوسط تقسیم می‌شوند، ناکامی هم «اصلی» و «فرعی» دارد و به عبارتی نسبی است. به هر حال در فضای فکری اسلام کسی دچار «ناکامی حقیقی» می‌شود که به کمالات و اهداف حقیقی نرسیده یا آن را از دست داده است: «لئن أذقنا الانسان منارحمه ثم نزعناها منه انه، لئوس كفور؛ و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم و نعمتی در اختیارش نهمیم، سپس آن را از او باز گیریم، به یقین او از اینکه بار دیگر به نعمت‌هایی دست یابد ناامید می‌شود و نعمت‌هایی که داشته ناسپاسی می‌کند و آنها را از جانب خدا نمی‌شمرد».

بعضی مردم آرزوهای خیالی و اهداف غیرحقیقی را هدف و بازماندن از آنها را ناکامی می‌دانند. در آیات و روایات، وسیله قراردادن غیرخدا برای رسیدن به اهداف حقیقی و غیرحقیقی، مذمت شده است و کسانی را که از راه گناه، حرص و افترا قصد رسیدن به آنها را دارند، مأیوس و ناکام و سرنوشت آنان را هلاکت می‌داند.

آیت الله دستغیب (ره) در کتاب گناهان کبیره در مورد ناامیدی می‌گوید؛ در بخشی از کتاب ایشان آمده است:

« پس ملاحظه حالات اشخاصی که به درگاه خدا رجوع کرده و حاجت روا شدند، آیا انسان عاقل می‌تواند از پروردگار کریم خود مایوس و از رستگاری خود یا دیگری نا امید شود؟ به خاطر همین است که علما فرموده اند: شخص مسلمان نباید به طور قطع خود را از کفار و فساق بهتر بداند و خود را سعید و آنها را شقی ببیند بلکه باید حالش این طور باشد که اگر لطف و توفیق الهی درباره ما مستمر باشد و با همین حالی که هستیم و بهتر از دنیا برویم و فلان کافر و فاسق هم اگر همین طور خذلان خدا شامل حالش بوده و با این حال فعلی از دنیا برود آن وقت من از او بهتر خواهم بود.

ناامیدی از ترقی و تعالی در مراتب انسانیت هرچند مصداق بارز ناامیدی نیست ولی مومن نباید گمان کند که برای ترقی انسان در مقام های معنوی به تنهایی برخی اسباب مثل قوه جوانی و نکاوت موثر است. در طول تاریخ چه اشخاصی بودند که هیچ کدام از اینها را نداشته و به فضل الهی به درجات عالی رسیده اند مانند فضیل بن عیاض و برهم نصرانی که همه در پیروی لطف الهی شامل حالشان شد.

یاس از لوازم و آثار کفر و انکار خداوند است زیرا کسی که خدا را به قدرت و کرم و علم شناخت و دانست که آفریننده همه عوالم است و شدتش نامحدود و حکمتش نامتناهی است دیگر باید امیدش فقط به خدا باشد.»